



یادداشت

سهام اتاق بازرگانی از سقوط ۶ دهک جمعیت به زیر خط فقر کم نیست!

صادق کار



مسعود خوانساری رئیس اتاق بازرگانی تهران هفته گذشته در جلسه اتاق بازرگانی ضمن ابراز نگرانی از وضعیت تراز تجارت خارجی گفت "فقر هر روز بیشتر می شود و اکنون ۶ دهک جامعه زیر خط فقر قرار گرفته اند". (نقل به معنی)

به ندرت اتفاق می افتد که یک مقام کارفرمایی صحبت از فقر مردم بکند مگر آنکه قضیه آنقدر حاد شده باشد که زیان سکوت کردن بیش از اذعان به آن باشد، یا اینکه طرف بخواهد از آن برای پیشبرد هدف معینی در جهت منافع سرمایه داران از بهره آن بگیرد.

فقری که رئیس اتاق بازرگانی تهران از آن صحبت می کند، فقری است که اتاق های بازرگانی و دیگر سازمانهای کارفرمایی و احزاب سرمایه داری خود نقش بزرگ و انکارناپذیری در بوجود آوردن آن داشته و دارند. نقشی به مراتب بیشتر از دولتها. زمانی هم که از فقر عمومی صحبت می کنند بیشتر برای انکار نقش خودشان در خلق فقر و فلاکت است.

موضع گیری رئیس اتاق بازرگانی نیز به نظر می رسد از این جنس باشد.

واقعیت این است که فقر و فلاکت کنونی و سقوط ۶ دهک جامعه یا در واقع بیش از سه چهارم کل جمعیت کشور به زیر خط فقر که رئیس اتاق بازرگانی هم به وجود آن اذعان می کند، از یکسو نتیجه تسلط گروههایی از سرمایه داران و سازمان های کارفرمایی مولف حکومت بر نهادهای سیاست گذاری و ارگان های قدرت، و از دیگر سو پیامد سرکوب احزاب و اتحادیه های کارگری، استمرار استبداد و سانسور تحمیل شده بر جامعه است.



اذعان به سقوط ۶ دهک از جمعیت کشور به زیر خط فقر و "فقر مطلق" البته نیمی از حقیقت است که عده زیادی قبل از رئیس اتاق بازرگانی تهران به کرات به آن پرداخته‌اند و سعی کرده‌اند دلایل آشکار و نهان آن را روشن کنند. نیم دیگر حقیقت که این مقام کارفرمایی از گفتن اش تعدا خوداری کرده است انبوه ثروتی است که درازی فقر ۶ دهک جامعه نزد روسا و اعضای اتاق بازرگانی و دیگر سازمانهای کارفرمایی انباشته شده است. اکثر روسای اتاق های بازرگانی ضمن اینکه در ردیف، ثروتمندترین سرمایه داران ایران قرار دارند، بر اتاق های مشترک اقتصادی ایران با دیگر کشورها نیز ریاست و گردانندگان واقعی تجارت خارجی و داخلی کشور هستند. در این میان برادران عسگر اولادی و علینقی خاموشی که نزدیک به سه دهه بر اتاق های بازرگانی و تجارت سلطه داشتند و جز صدرنشینان لیست بزرگترین سرمایه داران کشور قرار گرفتند، حکم مشت نمونه خروار را دارند.

این ثروتهای رویایی بدون تسلط احزاب و اتاق های بازرگانی در نهادهای قدرت، بدون تشدید استثمار و تحمیل بی حقوقی به نیروی کار و زحمت و کانالیزه کردن درآمدهای نفتی بسوی صاحبان قدرت و بخش هایی از سرمایه داران بزرگ نمی توانست نصیب یک اقلیت دوسه درصدی از جمعیت کشور به قیمت سقوط ۶ دهک دیگر به زیر خط فقر گردد.

کارفرمایان و سرمایه داران بزرگ که برخلاف کارگران از حق تشکیل اتحادیه و حزب برخوردارن و بسیار سازمان یافته هستند، هنگامی که صحبت از فقر مردم می کنند نمی توانند نقش و سهمی را که خود در ایجاد فقر و فلاکت و مصیبت های دیگری که بر جامعه تحمیل شده به عهده داشته‌اند، پنهان کنند.

هم اینک نیز مقصود رئیس اتاق بازرگانی تهران از بیان دیر هنگام واقعیت زندگی زیر خط فقر آن ۶ دهک دلسوزی برای آنها نیست!

نگرانی او یا در واقع آنهایی که وی در اتاق بازرگانی منافع شان را نمایندگی می کند از روی به مخاطره افتادن سیاستهایی است که تا کنون آن همه ثروت و قدرت نصیب آنها نموده است، ولی حالا با پیامدهایی که به بار آورده با اعتراضات گسترده اجتماعی به جد به چالش کشیده می شوند.

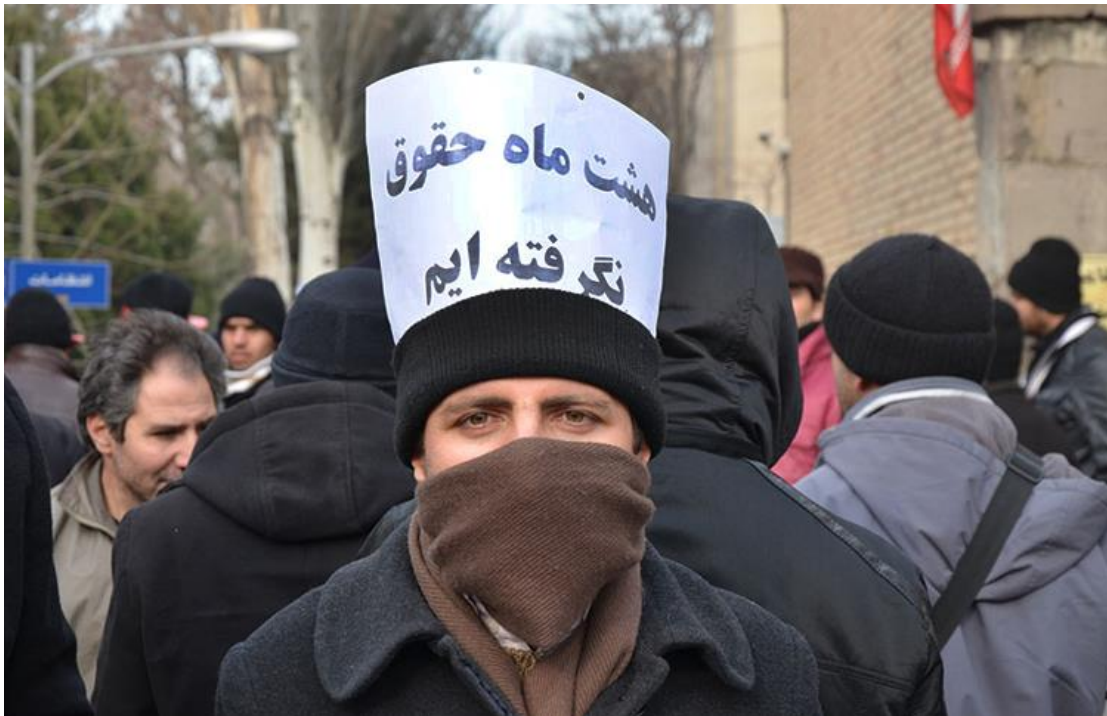
رئیس اتاق بازرگانی تهران و روسای بقیه شهرها همچنین از فشاری که دولت برای بازگرداندن دهها میلیارد ارز که به تجار داده است برآشفته شده اند. آنها در صحبت هایشان در اتاق های بازرگانی تهران و مشهد به وضوح ناخرسندی تجار از تغییر سیاست دولت در این خصوص را بیان می کند. به بیان دیگر حتی فقر ۶ دهک جمعیت کشور هم موجب نشده که رهبران اتحادیه های سرمایه داران اندکی از مواضع شان کوتاه بیایند!

مسعود خوانساری در اظهارات اش یک راه حل نیز ظاهرا برای مقابله با فقر می دهد که در وضعیت فعلی امکان انجام آن وجود ندارد و اگر هم همین الان پذیرفته شود، سالها طول می کشد تا نتایج نا مشخص اش معلوم شود. به یک معنی طبق این پیشنهاد ۶ دهک زیر خط باید سالها فقر تحمیلی کارفرمایان و دولت شان را تحمل کنند و اگر وضع شان هم بدتر شد، بشود ولی دولت محدودیت ارزی برای تجار برقرار نکند!

او از کنار بسیاری از عوامل فقر مردم میگذرد چون گفتن آنها را به سود منافع تجار و بازرگانان نمی داند. از توزیع نابرابر درآمد که جامعه را بیش از پیش دو قطبی نموده، از ضرورت افزایش دستمزدهای زیر خط فقر، که اتحادیه های کارفرمایی در تحمیل آن نقش اصلی را دارند، از تحمل نکردن اتحادیه های کارگری در محل های کار، از لغو



قوانین حمایتی و از بین بردن امنیت شغلی و اجتماعی کارگران و حتی از قطع بودجه کالاهای وارداتی لوکس و غیر لازم برای کمک به رشد تولیدات داخلی چیزی نمی گوید. در حالی جلب سرمایه خارجی را بعنوان چاره تجویز می کند و خواهان واگذاری معادن و منابع کشور به سرمایه گذاران خارجی می شود که فرار سرمایه از کشور روزافزون است و خودشان هم بر سر باز گرداندن ارزهایی که از دولت گرفته‌اند و مال مردم است چک و چانه می زنند. هر روز خبرهای تازه‌ای از دزدی مقامات و مدیران دولتی که میلیارد میلیارد ارز کشور را می دزدند و به خارج منتقل می کنند در روزنامه ها منتشر می شود. ارزهای دولتی که برای بازسازی خطوط تولید واحدهای صنعتی داده می شود توسط سرمایه دارانی امثال امید اسد بیگی در بازار آزاد معامله می شوند و به اندازه چند سال درآمد یک کارخانه سود یکجا و بدون زحمت نصیب آنها می کنند. فارغ از نادرست بودن واگذاری منابع معدنی کشور به خارجی ها، کدام سرمایه گذار هالو را رئیس اتاق بازرگانی تهران سراغ دارد که رغبتی به سرمایه گذاری در کشوری را داشته باشد که رهبران حکومت اش غرق در فساد، سرمایه های داخلی اش در حال فرار و مردم اش در آستانه خیزش و عصیانند؟



بیکاران صدقه نمی خواهند، کار، یا حقوق بیکاری

می خواهند!



بورس مسکن، قطعه‌ای از پازل سردگمی در زمینه‌ی مسکن

مراد رضایی



یک وزیر، یک سیاست

اولین انتخاب حسن روحانی برای وزارت راه و شهرسازی، نه انتخاب یک فرد، که برگزیدن یک سیاست اقتصادی مشخص در زمینه‌ی مسکن بود. عباس آخوندی، که سابقه‌ی صدارت در حوزه‌ی مسکن در سال‌های ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۶ را نیز در کارنامه‌ی خود داشت، از آن شخصیت‌های همواره در قدرت در تاریخ جمهوری اسلامی است، که بر خلاف هم‌قطاران‌اش، به صراحت طرفداری از بازار آزاد و حتی نئولیبرالیسم اقتصادی را بخشی از سیاست اقتصادی خود معرفی می‌کند. آخوندی در متن استعفایش از وزارت راه و شهرسازی می‌نویسد «من بر این اعتقاد هستم که سه اصل پایبندی به قانون، احترام به مالکیت و اقتصاد بازار رقابتی را در هیچ شرایطی نباید زیر پا گذاشت». اگر در این گزاره‌پردازی، عنصر پایبندی به قانون را که برای تعارف آورده شده است حذف کنیم، متوجه می‌شویم باور آخوندی به نئولیبرالیسم اقتصادی، چه اندازه موکد است. تاجایی‌که او در همین متن استعفای خود می‌نویسد که بیشتر سه بار از وزارت راه و شهرسازی استعفا داده است و در آن سه نوبت با استعفای او موافقت نشده است!

آخوندی حتی همین سطح محدود و نمایشی دخالت دولت در قیمت‌گذاری را «براساس اندیشه‌های سوسیالیستی و چپ» می‌دانست، که «سرگردانی را در بازار و اقتصاد ایران بوجود آورده است». مدینه‌ی فاضله‌ی اقتصادی آخوندی، چنانکه از گفته‌ها و نوشته‌هایش برمی‌آید چیزی در حدود شیلی تحت حاکمیت پینوشه است. اقتصاد بازار آزاد، به مدد شکنجه و خشونت؛ آنگونه که در خصوصی‌سازی هفت‌تپه و هپکو شاهد آن بودیم.

بنابراین می‌توان مدعی شد، وضعیت آشفته‌ی بازار مسکن در این سال‌ها نه نتیجه‌ی اهمال و بی‌تدبیری دولت روحانی، که اتفاقاً سیاست رسمی دولت او در زمینه‌های اقتصادی بوده است. تیم اقتصادی حسن روحانی ترجیح می‌دهد قیمت مسکن را «دست نامرئی بازار» که توسط دلالان و رانت‌خواران هدایت می‌شود تعیین کند؛ حتی اگر نتیجه‌ی این تعیین قیمت گورخوابی، ماشین‌خوابی، پشت‌بام‌خوابی و کارتن‌خوابی شامل بخشی از مردم جامعه باشد.

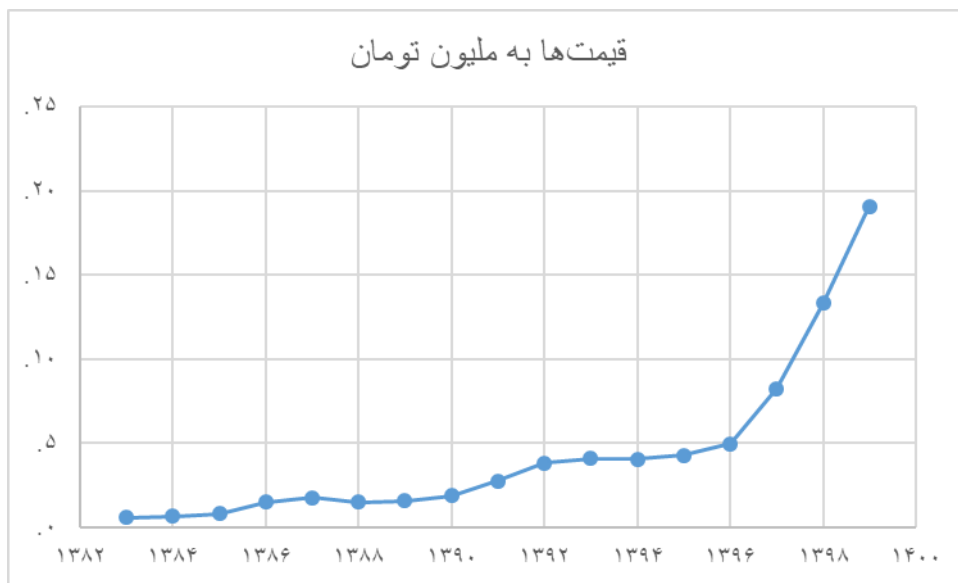
آخوندی که صدارت ۶۲ ماهه‌اش در حوزه‌ی مسکن، نتایجی همچون وجود ۲ و نیم میلیون مسکن خالی و در عین حال ۱۹ میلیون «بدمسکن شهری» شامل حاشیه‌نشین‌ها و بی‌خانمان‌ها داشت، بارها اعلام کرده بود که افتخار می‌کند دولت در دوران وزارت او حتی یک خانه نساخته است!



طرح‌های دولت روحانی برای مسکن

با توجه به آنچه که گفته شد، به نظر می‌رسد مهم‌ترین برنامه‌ی دولت روحانی در حوزه‌ی مسکن این بود که کاری انجام ندهد، و البته ظاهراً دولت او در اجرای این برنامه موفق عمل کرده‌است. هرچند این برنامه‌ای نبود که پیش از انتخابات سال ۱۳۹۲ برای ریاست جمهوری حسن روحانی اعلام شده بود. روحانی که در آن بلبشوی دوران انتخابات، در هر زمینه‌ی ممکن ادعاهای گزافی کرده بود، در زمینه‌ی مسکن نیز گفته بود «با توجه به اینکه تأمین مسکن نقش مهمی در آرامش روحی خانوارها دارد، تأمین مسکن ارزان جزو برنامه‌های دولت تدبیر و امید است». انتقاد او در آن سال‌ها به رشد ۵۲ درصدی قیمت آپارتمان و رشد ۸۲ درصدی قیمت خانه‌ی کلنگی بود. اما بر اساس آمار وزارت راه و شهرسازی، می‌توان نتیجه‌ی تصمیمات دولت او در قیمت مسکن را دید. جدول زیر متوسط قیمت یک متر مربع مسکن در تهران را بر حسب میلیون تومان نشان می‌دهد.

سال	قیمت ملیون تومان
۱۳۸۳	۰/۵۸
۱۳۸۴	۰/۶۵
۱۳۸۵	۰/۸۳
۱۳۸۶	۱/۵۱
۱۳۸۷	۱/۷۸
۱۳۸۸	۱/۴۹
۱۳۸۹	۱/۵۸
۱۳۹۰	۱/۸۸
۱۳۹۱	۲/۷۸
۱۳۹۲	۳/۸۳
۱۳۹۳	۴/۱۰
۱۳۹۴	۴/۰۶
۱۳۹۵	۴/۳۰
۱۳۹۶	۴/۹۶
۱۳۹۷	۸/۲۴
۱۳۹۸	۱۳/۳۳
۱۳۹۹	۱۹/۰۷



شیب تند یکباره‌ی نمودار، که البته با مفروضات تعدیل شده‌ی وزارت راه و شهرسازی تهیه شده است، تاثیر رها شدن بازار مسکن و سپردن تعیین قیمت در آن را به «دست نامرئی بازار» نشان می‌دهد. با یک حساب سرانگشتی می‌توان گفت متوسط قیمت مسکن در تهران از سال ۱۳۹۲ تا کنون پنج برابر شده است!

دولت برنامه‌ی عدم دخالت در بازار مسکن را با آوردن عناوین طرح‌هایی که اجرا نشدند، بزک کرده است. طرح مسکن اجتماعی، صندوق پس انداز مسکن، بازار رهن ثانویه مسکن، فروش اقساطی مسکن، مسکن قسطی کارمندان، طرح مسکن استیجاری، وام اجاره مسکن و طرح مسکن ملی عناوین طرح‌های دولت در زمینه‌ی مسکن است که جز طرح مسکن ملی، هیچکدام حتی به اجرا نزدیک هم نشدند. خلیل محبت خواه، مدیرکل راه و شهرسازی استان تهران اخیراً در مصاحبه‌ای مدعی شده است که «بیش از ۷۳ هزار واحد جهت ساخت اقدام ملی در برنامه استان تهران پیش بینی و ۳۷۰۰ نفر احراز شرایط شده اند، در این زمینه نکته بااهمیت این است که تاکنون در مجموع ۱۰۰۰ نفر افتتاح حساب کرده‌اند و در این خصوص متأسفانه از این تعداد تنها ۵۴ نفر واریز وجه داشته‌اند». یعنی تمام داد و قال دولت در مورد طرح مسکن ملی هم در نهایت به ۵۴ واحد مسکونی رسیده است! کاری که اجرای آن اساساً نیازی به دولت و وزارت عریض و طویل راه و شهرسازی نداشت و فلان خیر در فلان روستای دور افتاده هم می‌توانست این کار را انجام دهد.

بورس مسکن، یک معمای پیچیده‌تر

حسین سلاح ورزی، عضو شورای عالی بورس، در روز چهارم مردادماه، تشکیل بورس املاک، مستغلات و امتیازات ایران را از طریق توئیتر شخصی خود خبری کرد. توئیتر، که در ایران فیلتر است و حضور در آن، اگر با هدف کاسه‌لیسی حاکمان نباشد، جرم تلقی می‌شود، این روزها به منبع اطلاع‌رسانی اصلی بخش بزرگی از حاکمان جمهوری اسلامی تبدیل شده است. این بیشتر شبیه به یک شوخی ابزورد است که در توئیتری که در ایران فیلتر است، اخباری منتشر می‌شود که می‌تواند زندگی میلیون‌ها ایرانی را تحت تاثیر قرار دهد.

بورس، بیت‌الترجیع همه‌ی گفتارهای دولت روحانی در ماه‌های اخیر شده است. دولت از عصای پوسیده‌ی بورس، در رسانه‌های تحت امرش اژدهایی ساخته است که قرار است همه‌ی مشکلات اقتصادی در کشور را ببلعد. بورس مسکن نیز یکی از طرح‌های بورسی دولت است که ماه‌ها برای آن تبلیغ شده است.



شاهین چراغی، عضو شورای عالی بورس و اوراق بهادار در این باره گفته است: «مردم بتوانند هر ساله، متری از مسکن مورد نظر خود را خریداری کرده و در عین حال سرمایه و پس انداز خود را از تبعات ناشی از افزایش مداوم قیمت مسکن ایمن نگه دارند». دولت البته با دادن وام ودیعه مسکن، پیشتر پذیرفته بود که مردم توانایی خرید مسکن را ندارند. حال پیشنهاد بورسی دولت، خرید متر به متر خانه است.

حق بدیهی «سرپناه» به این اصل تاکید دارد که مردم باید بتوانند سقفی البته با کیفیت بالای سر خود داشته باشند. تبدیل شدن این سقف به تعدادی عدد و رقم در تالارهای بورس، مشکلی را حل نخواهد کرد. از قضا این طرح با تبدیل «بازار تولید» به «بازار سرمایه» دست دلالتان مسکن را بازتر می‌کند تا بتوانند قیمت‌ها را هر اندازه که بخواهند افزایش دهند. آرزوهای عباس آخوندی در زمینه مسکن ظاهراً در حال تحقق است.

راه حل وضعیت مسکن، نه طرح مسکن مهر بود، و نه چنانکه تبلیغ می‌شود بورس مسکن است. پافشاری بر حق سرپناه به مثابه یک حق بدیهی، و در نهایت خلع ید دلالتان و سفته‌بازان از بازار مسکن، و تبدیل مسکن به کالایی که «دولت» موظف به تامین آن برای شهروندان است، تنها راه حل آشفته‌بازار مسکن در ایران است. سیاست دولت روحانی در این زمینه، مانند هر امر اقتصادی دیگری، نزدیک شدن به ایده‌آل‌های نئولیبرالیسم اقتصادی و کم کردن نقش دولت در وظایف بدیهی دولت است. فاصله‌ی میان آن راه حل و این دیدگاه را، تنها مبارزه‌ی متحد طبقات فرودست و متوسط، که به تدریج به حاشیه‌ی شهرها و یا بی‌خانمانی رانده‌شده‌اند، پر خواهد کرد.



سرپناه باکیفیت حق همه است



سازماندهی "دیمی کاران": نگاهی از "جنوب" - بخش پنجم

سالی روور

ورای قاچاق انسانها و بردگی - ادامه



بساط خیابانی در لیما، پرو

سی سال است که گلوریا سولورزانو هر روز آفتاب زده خانه کوچک اش را ترک می کند تا بساط مختصری از میوه و سبزی را در بازار خیابانی لیما (پایتخت پرو) برپا کند. او به مردی با یک وانت بار پول می دهد تا خودش و محصولی را که برای فروش خریده است، به بازار برساند. به مرد دیگری پول می دهد تا بار او را به یک گاری منتقل کند و روی بساط اش بگذارد. نزدیک طلوع آفتاب کار فروش را شروع می کند. او به یک پاسبان هم پول می دهد تا از او حمایت کند و مطمئن باشد که خودش و مشتریان اش در امن و امان اند. برای نظافت خیابان و برای این که برق و نوری هم وجود داشته باشد، نیز باید پول بپردازد.

وضع گلوریا درست به وضع بخش اعظم کارگران جهان، یعنی کارگران غیررسمی، شبیه است. او در چنبره ده ها مناسبات اقتصادی قرار دارد، بابت خدماتی که برای برپا داشتن کارش به آنها نیاز دارد، و بابت حق کار در خیابان باید پول بپردازد. علیرغم "سرمایه گذاری" ای که او برای داشتن کار و داشتن جایی در بازار کرده است، هر لحظه ممکن است که دولت محلی حق او را لغو کند.

حدود ۶۰٪ تمام انسانهایی که کار می کنند، کارگران غیررسمی اند. این یعنی که آنها محروم از حمایتهای کاری و اجتماعی برای کسب درآمدی مطمئن، محروم از حمایتی در برابر انواع خطرات، و محروم از حمایتی برای نجات خانواده خویش از فقر اند. بدون دسترسی به حقوق اقتصادی و اجتماعی، برای کارگران غیررسمی بسیار دشوار است که نقش فعالی در بنای یک جامعه باز، شاداب و دموکراتیک ایفا کنند.

چگونه می توان این وضع را تغییر داد؟ برای "رسمیت دادن به کار غیررسمی" چه می توان کرد؟

بنای قدرت جمعی

بیش و پیش از همه، کارگران به سازمانهای دموکراتیک و محاسبه پذیری نیاز دارند که آنان را در روندهای سیاست گذاری، مذاکره با دولت و کارفرمایان و شرکتها نمایندگی کنند. خوش خیالی نکنیم! سازماندهی کارگران غیررسمی



چالش بسیار سنگینی است: آنان محلهای کار متفاوتی دارند، مناسبات استخدامی شان ناروشن و گاه پنهان است، درآمد کم و ناپایدارشان مشارکت را دشوار می کند... با این حال اکنون کارگران غیررسمی دارای تجربه ای چنددهه ساله در تشکیل شبکه های ارتباطی محلی و جهانی، رویکردهای نوآورانه در سازماندهی، و کشاندن قراردادهای جمعی به محیط کار غیررسمی اند. چالش بزرگتر همانا یافتن راه هایی برای استفاده از قدرت آنان است تا بتوان اطمینان یافت که حکومتها به وظیفه شان در حمایت از قانون و حق، و کارفرمایان به مسئولیت خود در پرداخت دین شان به جامعه عمل کنند.

کلید حل ای مشکل یافتن راه های سازمانگری مناسب برای گروه های شغلی مختلف در درون اقتصاد غیررسمی است. در سطح جهانی، مدلها و تنوع اشکال سازمانی با سنتهای سیاسی و طرقي که سازمانهای پایه بنا شده اند، مطابقت دارند. این مدلها از جمله شامل سازمانهای زیر می شوند:

- مدل اتحادیه های بین المللی زیر نام StreetNet، ملهم از ساختار فدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری؛
 - مدل مورد حمایت اتحادیه های کارگری، که طبق آن سازماندهی کارگران غیررسمی در بطن اتحادیه های رسمی انجام می شود، مثل IUF (اتحادیه بین المللی صنایع غذایی، کشاورزی،...) و فدراسیون بین المللی کارگران خانگی؛
 - مدل شبکه ای ائتلاف جهانی زباله گردها؛
 - جنبش اجتماعی ضد هیرارشی، ضد بوروکراسی لاک قرمز (Red Lacre)، که بنیان آن بر همکاری است؛
 - مدل مورد حمایت سازمانهای غیردولتی مثل شبکه خانگی جنوب آسیا (HomeNet South Asia).
- این اشکال گوناگون سازماندهی امکان می دهند که گروه های مختلف کارگران قدرت جمعی شان را فراتر از مرزهای جغرافیایی متحقق سازند و نقش خویش را در اقتصاد جهانی عیان کنند.



خصوصی سازی را متوقف کنید!



مهاجرین، سازماندهی و هژمونی‌گرینی در منطقه آزاد اقتصادی جنوب شرق آسیا- مکنگ- بخش 3

فصلی از کتاب مساله اجتماعی در قرن بیست و یکم - نگاهی به جهان (1): انتشارات دانشگاه کالیفرنیا ۲۰۱۹

دنيس آرنولد

ترجمه گودرز

هژمونی‌گرینی و مسئله اجتماعی



تصویر 1- کارگران نساجی در کامبوج برای افزایش دستمزد مبارزه می‌کنند.

مطالعه مسئله اجتماعی از دیدگاه نظامهای ویژه کار محلی و اشتغال به کارهای غیررسمی، که در مناسبات اقتصاد سیاسی این و آن کشور یا جزء-منطقه جاگیر شده‌اند، چالش‌هایی را هم از نظر متدولوژی و هم تئوری به بار می‌آورند. برای ارائه تحلیلی چندوجهی و چندمتغیری، از مقایسه نسبی، چنان‌که توسط جیلیان هارت تدوین شده، استفاده می‌شود تا مفهومی از مکان به عنوان گره اتصال در فضای تولید شده اجتماعی ارائه شود. این روند به محققین این اجازه را می‌دهد تا از دریچه تحقیقات موردی فراتر رفته و از ادعاهای صرف مثبت گرایانه (پوزیتیویستی) عام‌گذر کنند.

هارت می‌گوید: "خصوصیات یا ویژگیها از مجرای بررسی ارتباطات درونی بین اشیاء، وقایع، مکان‌ها و هویت‌ها دریافت می‌شوند." و از طریق اصلاحات و راستی‌آزمایی‌هاست که می‌توان به ریشه این روابط و اتفاقات پی‌برد. چنین روشی ایده تأثیر شرایط جهانی بر محیط محلی (اصطلاحاً تأثیر گلوبال بر لوکال) را نفی می‌کند. قصد البته این نیست که موارد خاص مختلفی را به عنوان واریانتهای محلی یا ملی روند‌های عام جهانی تلقی و تحلیل کنیم. بلکه روش هارت به ما کمک می‌کند که ببینیم چگونه خصوصیات در شکل‌گیری رابطه قدرت محور بین منافع ساختاری و بازیگران درگیر عمل می‌نماید وقتی که دستور کار برای کمک به اهداف ویژه اقتصادی سیاسی از طریق مجموعه‌ای از بازیگران مستقیم و غیرمستقیم میانجیگری می‌شود.



این روند در واقع تأثیرات برجسته ای در منطقه مکنونگ آسیا دارد که قول اشتغال کامل و تأمین اجتماعی برای همه دیگر معنای خود را از دست داده است. از این منظر است که باید مسئله اجتماعی در منطقه مکنونگ را دید. سیاست های تأمین اجتماعی در مکنونگ بر اساس چهل سال توجه به دوگانه اقتصاد رسمی و غیررسمی - اقتصاد رسمی به عنوان فضایی برای تضمین ثبات ساختاری و اشتغال غیر رسمی به عنوان پایه اقتصاد پروکاریا و نامطمئن و بازار کنترل نشده و بی در و پیکر.

"دربریگری یا شمول" در صنایع پارچه بافی، تولید البسه و شبکه تولید کفش و سایر پوشیدنی ها موضوع توجه این تحقیق است که عموماً از دیدگاه هستی شناختی به عنوان یک نتیجه و منفعت ذاتی رابطه دستمزدی در قرارداد بین کارگر و کارفرما تلقی می شود - برای تعیین مرز بین شمول و طرد، ممتاز بودن یا در حاشیه ماندن، سعادت یا فقر. با این وجود در مکنونگ آسیا برای اکثریت کارگران استخدام رسمی هم دلیلی بر برورفت از سطح فقر نیست، بلکه طبیعت رابطه غیررسمی که کارگران را "مشمول" می نماید باعث توسعه فقر می شود. در واقع فقر در ساختار رسمی بازار کار است که برخلاف برداشت عمومی در منطقه، کارگران رسمی را در عمل در قشر فقیر بحساب نمی آورد. وجود طبقه فقیر کارگران یک غفلت در سیاست یا خطای فنی در مدیریت نیست، بلکه بخش لاینفک رژیم کارگری و پارادایم توسعه در منطقه مکنونگ است.

()The Social Question in the Twenty-First Century Book Subtitle: A Global View
Editor(s): Jan Breman, Kevan Harris, Ching Kwan Lee, Marcel van der Linden Published
by: University of California Press. (2019)



دولت باید معاش تهی دستان و آسیب دیدگان کرونا را تأمین کند!



مبارزه مردم برای نان و آزادی را نمی توان با صدقه و " کمک مومنانه " متوقف نمود!

صادق

برآورد هزینه زندگی در تیر ۹۹ (تومان)

معمول	برای یک نفر	برای یک خانوار	برای چهار نفر
تامین مواد غذایی مطلوب وزارت بهداشت	۵۵۰,۰۰۰	۱,۱۰۰,۰۰۰	۲,۲۰۰,۰۰۰
کل هزینه بر اساس سبد وزارت بهداشت	۳۵۰,۰۰۰	۷۰۰,۰۰۰	۱,۴۰۰,۰۰۰
حقوق معوقات لازم (بر اساس دهک سوم)	۲۵۰,۰۰۰	۵۰۰,۰۰۰	۱,۰۰۰,۰۰۰
مرز فقر هزینه دهک سوم	۱,۱۰۰,۰۰۰	۲,۲۰۰,۰۰۰	۴,۴۰۰,۰۰۰

دنیای اقتصاد در گزارشی که در سایت این روزنامه روز گذشته منتشر شد خبر از رشد ۶/۴ درصدی تورم در تیر ماه را داد. به گزارش این روزنامه دهک غیربرخوردار با ثبت تورم ۷/۲۳ درصدی، بالاترین تورم را پشت سر گذاشته است. این روزنامه با استناد به سبد مطلوب وزارت بهداشت نوشت هر خانوار " حداقل باید بیش از یک میلیون و ۸۰۰ هزار تومان برای خوراکی ها هزینه کنند". در بخش دیگری از گزارش پس از اشاره به کالری مصرف برای خانوار هایی که در مرز خط فقر قرار دارند، نتیجه گرفته است که این خانوارها برای تامین حداقل نیازمندی های شان نیاز به ۳ میلیون و ۶۰۰ هزار تومان درآمد در تیر ماه را داشته اند.

مبنای گزارش "دنیای اقتصاد" داده هایی هستند که توسط مرکز آمار ایران و مرکز پژوهش های مجلس تهیه شده اند. در این پژوهش هزینه مسکن که بیشترین بخش از درآمد مردم را می بلعد منظور نشده است.

و معلوم نیست که این آمارها تا چه حد دقیق، گویا و مطابق با واقعیت باشند. با این همه همین آمار نیز نشان می دهد که بالغ بر دوسوم مردم از لحاظ درآمد در موقعیتی نیستند که بتوانند از پس هزینه های اولیه زندگی شان برآیند. عده زیادی اساسا بیکار و فاقد درآمد هستند. دستمزد کنونی کارگران و همچنین حقوق بازنشستگی حداقل یک میلیون کمتر از کف نیازهای خانوار است که در این گزارش ها محاسبه شده اند. این در حالی است که با وجود گذشت بیش از ۴ ماه از سال نه دولت افزایش ۲۰۰ هزار تومان حق مسکن را تصویب نموده و نه کارفرمایان و تامین اجتماعی این افزایش را پرداخت کرده اند. از سوی دیگر ارزش یارانه های نقدی نیز به زحمت کفاف هزینه نیم کیلو گوشت مخلوط را می دهد. به عبارتی رشد تورم و گرانی مواد غذایی همراه با سقوط ارزش دستمزدها همانطور که پیشبینی می شد به بحران رو به رشد معیشت دامن زده و این نیز به نوبه خود به گسترش اعتراضات معیشتی منجر خواهد شد. خامنه ای که نگران گسترش این اعتراضات است در سخنرانی روز جمعه اش به مناسبت عید قربان: "... با اشاره به آسیب دیدن اقتصادی اغلب مردم در دوران کرونا گفت: البته در این میان عده ای دچار آسیب ها و مشکلات جدی شده اند که باید با گسترش نهضت کمک مؤمنانه مردمی، به کمک این قشرها شتافت". با این همه نارضایتی و فشار اقتصادی به ده ها میلیون از مردم چیزی نیست که با صدقه و کمک "مومنانه" رفع شوند. میلیونها انسان گرسنه و رها شده به حال خود را که قربانیان سیاستهای اقتصادی- اجتماعی و ماجراجویی های زیانبار و پرهزینه و بی سرانجام حکومت هستند نمی توان با حرفهای تکراری و بی پشتوانه از اعتراض و خیزش باز داشت. مردم نان و آزادی می خواهند و حکومت نشان داده است که نه قادر به تامین نان مردم و نه تمایلی برای پذیرفتن حق آزادی مردم دارد.



گذر و نظری بر رویدادهای کارگری هفته



تداوم اعتصاب و تظاهرات خیابانی در هفت تپه، تجمع های اعتراضی پرستاران، تجمع کارگران کنتورسازی قزوین، تجمع بازنشستگان شرکت واحد، تجمع کارگران بیکار شده سیمان لوشان، تجمع کارگران شهرداری و کادر درمانی بیمارستان شهید جلیل در یاسوج، مرگ کارگر اهوازی در اثر گرما، ادامه محکومیت فعالین کارگری و عدالت خواه توسط بیدادگاه های فقهاتی، مهمترین رویدادهای کارگری هفته بوده است.

از میان اعتراضات این هفته، پرستاران موفق شدند مسئولین دولتی را وادار به پذیرش بخشهایی از مطالبات خود کنند و بازنشستگان شرکت واحد نیز مدیر عامل این شرکت را وادار به پرداخت باقی مانده حق سنوات شان نمودند. اعتراضات و اعتصابات دیگر هم در صورت تداوم می توانند نتایج مشابهی به دنبال داشته باشند. کما اینکه در هفته های گذشته کارگران شرکت های پیمانکار در صنعت نفت توانستند با ادامه پیگیرانه مبارزات شان مدیران شرکت نفت را وادار به عقب نشینی و پذیرش بخشی از مطالبات شان نمایند. این موفقیت ها با وجود اینکه نسبت به سطح مطالبات، اندک هستند، ولی برای پیشروی در جهت احیای حقوق کارگران و مزدگیران اهمیت سرنوشت ساز دارند. آنچه را که با مبارزه و اعتراض و اعتصاب خیابانی می توان به دست آورد با هیچ شکل دیگری نمی توان کسب کرد.

تداوم اعتصاب و تظاهرات کارگران هفت تپه

اعتصاب و تظاهرات کارگران حق طلب و مقاوم مجتمع نیشکر هفت تپه در این هفته با وجود گذشت ۷ هفته همچنان ادامه دارد. کارگران اعتصابی که همچنان روی خواسته های برحق شان ایستاده اند در این هفته از یکسو دامنه تظاهرات شان در شهر شوش را گسترش دادند و از سوی دیگر تلاش نمودند با سخنرانی و انتشار گزارش اعتصاب و نقد برخوردهای نهادهای حکومتی حمایت بیشتری از مردم را به دست بیاورند. تلاش مسئولین نهادهای حکومتی



حامی کارفرمای اختلاسگر و ستمگر که در این میان نقش رفیق قافله و شریک دزد را بازی می کنند، از آن جمله اظهارات سخنگوی قوه قضائیه که به دروغ اعتصاب را پایان یافته خواند، حاکی از شکست تلاشهای مزورانه مسئولین در برابر مقاومت جانانه کارگرانی دارد که حاضر نیستند بدون گرفتن مطالبات شان به اعتصاب شان خاتمه دهند. کارگران بویژه رهبران اعتصاب لازم است با نظر داشت همه مسائل در طراحی شعارها پشان دقت بیشتری بنمایند تا بتوانند حمایتهای وسیعتری از اقدار غیر مزدبگیر جامعه از مطالبات شان را به دست آورند. طرح برخی شعارهای بی موقع، نالازم و تحریک آمیز، در شرایط کنونی که ممکن است از بیرون جهت ایجاد انحراف به داخل اعتصابیون تریق شود، هوشیاری بیشتری می طلبد. مقامات دولتی و عوامل کارفرما که خود معمولاً در نفوذ دادن شعارهای انحرافی بین اعتصابیون نقش دارند، از این وسیله برای خنثی کردن حمایت هایی که از اعتصابیون می شود و در هم شکستن و بی نتیجه ماندن اعتصابات استفاده می کنند. تا آنجا که مربوط به خواست لغو خصوصی سازی هفت تپه و خلع ید از کارفرما است، باید روی آن متمرکز ماند و از رفتن به حواشی خویشتن داری نمود.

تجمع های پرستاران و کادر درمانی و عقب نشینی مسئولین دولتی

تجمع پرستاران شرکتی در ۵ تیر که نسبت به وضعیت استخدامی و تبعیضات شغلی و مزدی شان معترض و خواستار استخدام مستقیم و رفع تبعیضات هستند و در ادامه اعتراضات زنجیره ای پرستاران در مقابل مجلس برگزار شد، سرانجام مسئولین دانشگاه علوم پزشکی را یک گام دیگر به عقب نشینی از مواضع اش وادار نمود. متعاقب این تجمع معاون توسعه مدیریت منابع و برنامه ریزی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی با صدور بخشنامه ای با بخشی از خواسته های پرستاران شرکتی موافقت و دستور اجرای آن را صادر کرد.

افزایش حقوقو مزایای نیروهای شرکتی، مکلف کردن شرکت پیمانکار به رعایت طرح طبقه بندی مشاغل و قانون کار و پرداخت منظم حقوق پرستاران شرکتی، مواردی هستند که در بخشنامه شرکتهای پیمانکار مکلف به رعایت و اجرای آنها شده اند.

البته در این بخشنامه یکی از خواسته های اصلی پرستاران و نیروهای شرکتی بی پاسخ گذاشته شده است و تلاش کرده اند با موافقت کردن با بخشی از مطالبات معترضین پرستاران را از درخواست اصلی شان منصرف و به اعتراضات آنها پایان دهند. با این همه اعتراضات با وجود این دست آوردها تا رسیدن پرستاران و دیگر کارکنان شرکتی به خواسته اصلی شان ادامه خواهند یافت. حفظ همین مقدار از دست آوردها نیز مستلزم تداوم اعتراضات است.

البته این تنها اعتراض از این دست در این هفته نبود. در یاسوج نیز ۳۰۰ پرستار و کادر درمانی به دلیل پرداخته نشدن کارانه ها، دستمزد اضافه کاری و پاداش کرونا تجمع نموده و خواستار پرداخت آنها شدند.

تجمع اعتراضی کارگران کنتورسازی قزوین



در ۷ مرداد بار دیگر کارگران کنتور سازی قزوین در اعتراض به زیرپا نهاده شدن توافقات مسئولین دولتی با کارگران و پرداخت نشدن دیون معوقه کارفرما به کارگران در مقابل فرمانداری قزوین تجمع و خواستار پرداخت دیون کارفرما شدند. دیون کارگران این کارخانه که مدتی پیش تعطیل شد پس از اعتراضات متعدد کارگران قرار بود پس از فروش سهام یکی از شرکتهای تحت مالکیت کنتور سازی به کارگران پرداخت شود. اما پس از فروش سهام شرکت مذکور پول آن را که قرار بود صرف پرداخت دیون کارفرما شود به خزانه دولت واریز شده است. گفتنی است که مطابق قانون کار موجود دیون کارفرما به کارگران دیون ممتاز محسوب می شود و بایستی قبل از تصفیه بدهی های دیگر تسویه شود. مسئولین دولتی در مورد علت طفره رفتن از پرداخت بدهی کارخانه به کارگران به رغم تامین منابع از طریق فروش بخشی از اموال کارخانه "شرکت نیرو کلر" چیزی نگفته اند!

تجمع کارگران بازنشسته شرکت واحد در تهران

سندیکای کارگران واحد در اعلامه‌ای که در این هفته منتشر کرد، از تجمع عده‌ای از بازنشستگان این شرکت که در سال ۹۸ بازنشسته شده‌اند، به دلیل پرداخت نشدن حق سنوات خبر داد. این تجمع با خواست پرداخت حق سنوات در مقابل ساختمان مرکزی شرکت واحد در ۶ مرداد برگزار شد. بنا به اعلامیه سندیکای واحد ۵۰ تا ۶۰ درصد حق سنوات این عده قبلاً پرداخت شده و کارگران خواستار پرداخت باقی مانده آن هستند. بنا به گزارشی که در ۸ مرداد در خبرگزاری (ایلنا) به نقل از "محمود ترفع" مدیر عامل شرکت واحد منتشر شد، بخش باقی مانده حق سنوات بازنشستگان ۹۸ شرکت، ۲ روز بعد از این تجمع پرداخت شده که البته هنوز از طرف سندیکا تأیید یا تکذیب نشده است.

تجمع کارگران بیکار شده سیمان لوشان

شماری از کارگران لوشان که قبل از خصوصی سازی این کارخانه به آنها قول حفظ اشتغال شان بعد از خصوصی سازی را داده بودند در اعتراض به عهد شکنی کارفرما و بیکار ماندن در مقابل "معدن تخت آسمان" تجمع کردند. (ایلنا) به نقل از یکی از کارگران شرکت کننده در این تجمع که در ۵ مرداد انجام گرفت نوشت:

"کارگران این واحد صنعتی تعطیل شده، اظهار کردند: خریدار در حین واگذاری موظف شده بود در ازای استخراج معادن سنگ آهک، یک صنعت جدید در جوار معدن ایجاد و کارگران بیکار شده کارخانه را مشغول به کار کند، اما چند سال است پیمانکار؛ از معادن سنگ این کارخانه در حاشیه شهر لوشان (کوه‌های آسمان سرا) سنگ (تراورتن) استخراج می‌کند اما طبق وعده‌ای که به شورای تامین شهرستان رودبار و سهامداران سابق کارخانه حین واگذاری داده بود، اقدامی در جهت راه‌اندازی کامل واحد جدید و اشتغال نیمی از کارگران بیکار شده در واحد صنعتی صورت نمی‌دهد".

شایان ذکر است که هنگام واگذاری های واحدهای کلان عمومی به بخش خصوصی یا اگر دقیق تر گفته باشیم به وابستگان و اقوام مسئولین و نهادهای حکومتی، مالکان جدید و تازه به دوران رسیده برای آرام کردن کارگران به آنها تعهداتی می دهند که بعد از واگذاری هیچ کدام شان را انجام نمی دهند. مقامات دولتی نیز طبعاً به دلیل مسائلی که ذکر



شد بجای وادار کردن کارفرمایان به تعهدات شان کارگران معترض را سرکوب و مجازات می کنند و یا آنها را به حال خودشان رها می کنند. با این اوصاف عجیب نیست که کارگران این همه از سیاست ویرانگرانه و فقر افزای خصوصی سازی دولت متنفر هستند و علیه آن به مبارزه برخاسته اند!

ادامه اعتراضات کارگران شهرداری ها

اعتراضات کارگران شهرداری ها در شهرهای مختلف در این هفته نیز ادامه یافتند. کارگران شهرداری حداقل در دو شهر علیه شرکت های پیمانکار که کارهای شهرداری ها را قبضه کرده اند و حقوق کارگران شان را رعایت نمی کنند به اعتراض برخاستند. به نوشته (ایلنا) کارگران شهرداری "سریش آباد" در شهرستان قروه به دلیل پرداخت نکردن دستمزدهای شان در ۴ ماه گذشته اعتراض کردند. کارگران فضای سبز در یاسوج نیز به دلیل مشابه در این شهر تجمع کردند.

مرگ کارگر ماهشهری در اثر گرمازدگی حین کار

در این هفته ابراهیم عرب زاده کارگر اهل ماهشهر که در یک شرکت پیمانکار بنام "تهران جنوب" کار می کرد در اثر گرمازدگی و ساعت کار طولانی "۱۲ ساعت" جان باخت. خبرگزاری (ایلنا) که این خبر را منتشر کرد از قول فرماندار بندر ماهشهر نوشت: "فرماندار بندر ماهشهر با انتقاد از اهمال کاری مسئولان این شرکت نسبت به عدم تامین امکانات کمک های اولیه در محل کار کارگران، خاطرنشان کرد: پیش از این نیز از شرکت تهران جنوب نیز به علت عدم تامین امکانات درمانی و کمک های اولیه از سوی مسئولان شبکه بهداشت و درمان شهرستان شکایت شده بود، با این وجود مسئولان شرکت نسبت به این موضوع بی توجه بودند".

سخنان فرماندار نشان می دهد که عامل اصلی جان باختن این کارگر کسی غیر از کارفرما نیست. چرا که اگر وسایل ایمنی لازم در شرکت وجود داشت و ساعت کار ۱۲ ساعته کار در گرمای ۵۰ درجه نبود، احتمال مرگ ابراهیم عرب زاده در حد صفر بود. جناب فرماندار نیز البته در این قضیه کم تقصیر نیست. چرا که نسبت به رعایت نکردن شرایط ایمنی و قانون شکنی در شرکت توسط کارفرما که سابقه داشته هیچ اقدامی نکرده است! ساعات کار قانونی در هفته ۴۴ ساعت است و مطابق قانون ۱۲ ساعت کار روزانه متوالی در شرایط عادی هم غیرقانونی است تا چه برسد به ۱۲ ساعت کار در گرمای ۵۰ درجه. همین یک مورد به تنهایی گویای رفتار غیر انسانی و قانون شکنانه صاحبان شرکتهای پیمانکاری با کارگران و حمایت آشکار و نهان مسئولین فاسد و رشوه بگیر دولتی است. اداره کار ماهشهر که نظارت بر اجرای قوانین کار را دارد نیز برای پیشگیری از قانون شکنی های کارفرمایان و جلوگیری از مرگ که سالانه حداقل جان ۲ هزار کارگر را در کشور می گیرد حتی موقعی که مقصر بودن کارفرما برای فرماندار هم محرز است، هیچ غلطی نکرده و نمی کند! این جهمی را که صاحبان بهشت نشین قدرت و سرمایه برای کارگران و زحمتکشان ساخته اند تا بتوانند بهشت خودشان را در کنار این جهنم بسازند بایستی ویران کرد و به بهشت نشینی آنها خاتمه داد. این عین عدالت است که انجام آن فقط از دست خود کارگران ساخته است!



ادامه محکومیت فعالین کارگری و عدالت خواه توسط بیدادگاه های فقاھتی

در این هفته در ادامه صدور احکام زندان برای فعالین کارگری و عدالت خواه، "محمد فلاحی" یکی از اعضای هئیت مدیره کانون صنفی معلمان در شعبه ۲۶ بیدادگاه ضد انقلاب حاکم، به ۲ سال حبس تعزیری محکوم شد.

همچنین بیدادگاه تجدید نظر استان تهران حکم ۳ سال زندان تعزیری کیوان صمیمی توسط شعبه ۲۶ بیدادگاه ضد انقلاب حاکم را تأیید نمود. اتهام این بار کیوان صمیمی شرکت در تجمع روز کارگر سال ۹۸ است. از سوی دیگر خبرهای رسیده حاکی از تشدید فشار و تهدیدات نسبت به فعالین کارگری و اجتماعی زندانی دارند. بنا به نوشته سایت اتحادیه آزاد کارگران جعفر عظیم زاده رهبر زندانی این اتحادیه که به تازگی در زندان تجدید محاکمه و بر مدت محکومیت وی افزوده شد، در زندان مورد حمله یک زندانی دیگر که گفته می شود توسط زندان بانها تحریک و تشویق شده بود قرار گرفت.

***برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

sabosob@gmail.com

***"جنگ کارگری" نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران (فدائیان خلق) را می توانید در آدرس زیر ببینید:**

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>



بیمه بیکاری برای بیکاران